فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۱، تابستان۹۸، صفحات۱۸۶-۱۶۱

کاربست شاخصه‌های اقلیمی- فرهنگی در شعر فارسی معاصر مازندران در راستای تقویت فرهنگ بومی

(با رویکرد به سروده‌های اسدالله عمادی، علی‌اکبر مهجوریان و جلیل قیصری)

فاطمه زهراصادقی[۱]، غلامرضا پیروز[۲]، زهرا پارساپور[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

چکیده

شعر اقلیمی معاصر شعریست ذهن‌گرایانه با کلیتی ارگانیک که چالش سنت و مدرنیزم در آن نمودی بارز دارد. شعر اقلیمی رأس هرم ادبیات بومی است و پس‌زمینه‌ی شعر کلاسیک محسوب می‌شود. پررنگ کردن بن‌مایه‌های اقلیمی و خلق فضا در محیط زبان، شعری خاص با کارکرد ویژه پدید می‌آورد که بهره‌گیری از نشانه‌های زبانی بومی- اقلیمی آن در راستای توسعه‌ی فرهنگی ادبی قابل توجیه است. اسدالله عمادی، علی‌اکبر مهجوریان و جلیل قیصری از شاعران پیش‌رو در شعر اقلیمی مازندران به حساب می‌آیند که ساخت‌ها و صورت‌های زبانی سروده‌هایشان در راستای تعمیق مؤلفه‌های اقلیمی است. این سه تن علاوه بر شعر در رمان و تحقیق و پژوهش در حوزه‌ی فرهنگ نیز آثار در خور توجهی دارند. در این پژوهش شاخصه‌های جغرافیایی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی- معیشتی در شعر سه شاعر اقلیم‌گرای مازندران تبیین و تحلیل شده است. برآیند این جستار نشان می‌دهد طبیعت‌محوری، تصویرپردازی، عشق به سرزمین، عصیان و اعتراض، توجه به فرهنگ بومی و قومی(آیین‌ها، سنت‌ها، باورها) توجه به زبان بومی از مؤلفه‌های پرتکرار است. روش پژوهش توصیفی – تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر مازندران؛ اقلیم؛ فرهنگ؛ اسدالله عمادی؛ علی اکبر مهجوریان؛ جلیل قیصری

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران(نویسنده‌ی مسئول) Fatemezahra.sadeghi@yahoo.com
[۲] دکترای ادبیات عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه مازندران Pirouz40@yahoo.com
[۳] دکترای ادبیات عضو هیأت علمی و دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی Zparsapoor@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مقدمه

بیان مسأله: در پیدایش آثار ادبی و هنری عوامل درونی و بیرونی بسیاری چون: عاطفه، تخیل، هوش، شخصیت، خانواده، اقلیم، فرهنگ، سیاست و بسیاری از عناصر دیگر دخیل است. از میان این عوامل، اقلیم و فرهنگ یکی از فراگیرترین و اساسی‌ترین عوامل تأثیرگذار به شمار می‌رود. آثار ادبی همانند دیگر آثار هنری بازتاب‌دهنده‌ی محیط و فرهنگی هستند که در آن خلق می‌شوند و هر اندازه، تعلق خاطر شاعر و نویسنده نسبت به اقلیم و باورهای فرهنگی‌اش بیش‌تر باشد، بازتاب آن را در آثارش خواهیم دید. در بررسی صور خیال شعر فارسی از آغاز تا قرن پنجم «نفوذ مراکز ادبی سامانیان نه تنها بر زبان بلکه در سایه‌ی آن رنگ اقلیمی و محلی خود را توانسته کم و بیش بر شعر شاعران اقالیم دیگر تحمیل کند»(شفیعی کدکنی،۱۳۸۸:۳۹۵).ولی در غالب ادبیات این دوره، با وجود گستردگی دامنه‌ی جغرافیایی محیط زیست شاعران و تفاوت اوضاع طبیعی نواحی نفوذ شعر فارسی، رنگ عمومی شعرهای طبیعت یکسان است؛ اما شاعر معاصر از عناصر و نمادهای طبیعت محیط زندگی خود بهره می‌گیرد. این نکته درباره‌ی ادبیات منثور و داستانی ایران در گذشته و حال نیز صادق است. امروزه این‌گونه مسایل خاستگاه اصلی صور خیال خلق‌شده در سخن نویسندگان است و هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند خود را کاملاً از تأثیر آن دور نگه دارد(نوری و قره‌خانی:۱۳۹۰،۱۷۵).

هر شاعری از عناصر موجود در طبیعت زندگی‌اش تأثیر می‌پذیرد، به میزان کشف او از جهان و به میزان زندگی شاعرانه‌اش با هر یک از پدیده‌های شعر خود، این عناصر نمود پیدا می‌کند(کسمایی:۱۳۷۷،۴۲-۴۰). به همین روی در این پژوهش نویسندگان برآنند شاخصه‌های اقلیمی- فرهنگی را در سروده‌های فارسی سه شاعر مازندران اسدالله عمادی، علی‌اکبر مهجوریان و جلیل قیصری) تبیین و تحلیل کنند.

ضرورت پژوهش

تحقیق در ادبیات اقلیمی کم‌ترین کارکرد مثبتی که می‌توان برای آن قایل شد دست‌یابی به شناخت درست از گذشته و زمینه‌سازی مناسب برای ممانعت از اضمحلال فرهنگ قومی در فرهنگ‌های غالب جهانی در آینده است(شیری،۱۳۷۸:۵۲). اگر تأثیر جغرافیای طبیعی و فرهنگی را در نطفه‌بندی آثار ادبی بپذیریم، در این صورت می‌توان از این گذر به مطالعه‌ی اقلیم‌ها، جوامع و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

فرهنگ‌ها بپردازیم. آب و هوای مدیترانه‌ای مازندران با اعتدال، باران، دریا، جنگل، کوه و درجه‌ی بالای رطوبتش در مفهوم‌سازی و تصویرپردازی شاعران مقیم نقش و تأثیری انکارناپذیر دارد تا جایی که این عناصر اقلیمی را در تولید ساختار ذهنی و زبانی شعر مازندران نمی‌توان از نظرگاه نقد و نظریه‌ی ادبی دور داشت. از این رو در این جستار تلاش نویسندگان بر این تکیه معطوف است که بتوانند عناصر اقلیمی- فرهنگی را در سه شاعر مطرح مازندرانی تبیین و تحلیل کنند تا از این رهگذر بتوانند به دریافت دقیق‌تری از شعر این شاعران معاصر نایل آیند.

سؤالات پژوهش

اقلیم‌گرایی شاعران مورد نظر در شکل‌بخشی منظومه‌ی فکری، خیال و شگردهای ادبی چه تأثیراتی دارد؟

مهم‌ترین شاخصه‌های جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی سرزمین مازندران در شعر این شاعران کدام است؟

حدود پژوهش

حدود پژوهش تحلیل و تبیین مجموعه‌ی اشعار فارسی سه شاعر فارسی‌سرای مازندران از منطقه‌ی شرق، غرب و مرکز است در این جستار از بررسی و تحلیل آثار بومی و محلی این شاعران صرف نظر شده است. مجموعه‌ی اشعار فارسی جلیل قیصری از حوزه‌ی غرب مازندران عبارت است از:«کنگه لو تا کومه‌های دور»(۱۳۷۳)، «من و جهان در یک پیراهن»(۱۳۸۰)، «هنوز کو تا سپیدخوانی این برف»(۱۳۹۱)، «کوکویی بر شاخه‌ی ناپیدا»(۱۳۹۲). مجموعه‌ی اشعار اسدالله عمادی از حوزه‌ی شرق عبارت است از:«حماسه‌ی مادرمیهن»(۱۳۶۰)، «آواز ریشه‌ها»(۱۳۷۶)، «آخرین ایستگاه جهان»(۱۳۸۶)، «برای عاشق‌شدن همیشه دیر است»(۱۳۹۳)، «زیباست با تو خواندن»(۱۳۹۳) و «بازگشت به سرزمین مادری»(۱۳۹۵). مجموعه‌های اشعار علی اکبر مهجوریان از منطقه‌ی مرکز مازندران عبارت است از:«سروده‌هایی از دیار خانه‌های بارانی»(۱۳۸۸)، «از این حوالی بارانی»(۱۳۹۲)، «به گندم‌هایی که بعد از ما می‌رویند»(۱۳۸۸) و «با یاس‌های بعد از ما»(۱۳۹۴).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، فرآیندی نظام‌مند و هدف‌دار برای پاسخ به سؤالات تحقیق است. در حقیقت، موضوع، اهداف، ماهیت اطلاعات و اسناد و مدارک، تعیین‌کننده‌های روش تحقیق است (احمدی، ۳۵:۱۳۹۴). روش پژوهش در این مقاله از نوع کیفی با استفاده از منابع اسنادی و سایت‌های معتبر اینترنتی است. در گردآوری اطلاعات نگارندگان علاوه بر مطالعات کتاب‌خانه‌ای از مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه نیز بهره گرفته‌اند. اطلاعات مورد نظر از طریق فیش گردآوری شده است. پس از آن، فیش‌ها، نقد و ارزیابی شدند و در نهایت در مورد آن‌ها نتیجه‌گیری شده است. رهیافت این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که شاعران مازندران به چه میزان عناصر زیست بوم و فرهنگ مازندران را در شعر خود بازتاب دادند.

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون پیرامون سروده‌های اقلیمی- فرهنگی شاعران فارسی‌سرای مازندران پژوهش جدی صورت نگرفته‌است. این پژوهش‌ها عمدتاً با رویکرد تذکره‌ای به نگارش درآمدند؛ اما در حوزه-های اقلیمی ایران کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی به نگارش درآمدند که در این جا به تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم.

کتاب‌ها: شعرامروز مازندران(۱۳۷۱) به کوشش اسدالله عمادی در سه بخش(یادمان، رهروان و نوآمدگان) تدوین شده است. بخش اول از شاعران گذشته و صاحب نام، بخش دوم(رهروان) از شاعران امروز مازندران نام می‌برد و بخش سوم(نوآمدگان) به شاعرانی اختصاص دارد که آینده‌ی خوبی در پیش دارند. در این کتاب شرح مختصری از زندگی‌نامه‌ی عمادی، قیصری و مهجوریان و چند قطعه شعر از آنان آورد شده است. «**ماخ اولا**»(۱۳۸۱) از زینت نظری و انتشارات چاپار است. نویسنده در مقدمه به جریان‌های موجود در شعر مازندران(۱۳۷۰-۱۳۵۰) اشاره می‌کند و پس از آن به معرفی شاعران تأثیرگذار مطرح مازندران از جمله اسدالله عمادی، جلیل قیصری و علی اکبر مهجوریان می‌پردازد؛ سپس شعر (۵۱) شاعر از دهه‌ی هفتاد که در قالب‌های مختلف شعر سروده-اند، می‌آورد. «**شعر امروز ساری**» از رجب بذرافشان چاپ(۱۳۸۲) انتشارات پویند. «**جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندران**»(۱۳۸۸) از رضا کریمی لاریمی با همکاری نشر مرکز توسعه‌ی علوم. این کتاب به تجزیه و تحلیل اشعار پنج شاعر معاصر فارسی از جمله جلیل قیصری پرداخته است و در فصل پایانی کتاب به بررسی ویژگی‌های سبکی در سروده‌های پایداری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

این شعرا اشارات قابل توجهی دارد. «**سبوی سخن**»(۱۳۹۰) از ایرج اصغری، نشر رسانش که۲۹۰ شاعر فارسی‌سرا را از آغاز تا زمان نشر کتاب معرفی کرده است که نام شاعران حوزه‌ی تحقیق ما هم در آن به چشم می‌خورد. شیوه‌ی تحقیق کتاب، تذکره‌نویسی‌سنتی است. «**گزیده‌ی شعر امروز شمال**» به کوشش اسدالله عمادی، هوشنگ عباسی و علیرضا ابن قاسم، چاپ ۱۳۹۶ از انتشارات روزآمد. بخش اول کتاب به شاعران مازندران اختصاص دارد که نویسندگان در آن اسامی ۳۰ شاعر از جمله خودشان و دیگران را آورده‌اند. نویسندگان، نخست گزارش مختصری از زندگی هرشاعر و بعد نقد و نظر کوتاهی در رابطه با بعضی از مختصات زبانی، ادبی و فکری او دادند و در خاتمه جهت نمونه اختصاصاً چند شعر در قالب نو از هر شاعر آورده‌اند. «**پولک‌های سپید**» از رجب بذر افشان و جواد اکبری، چاپ (۱۳۹۶) از انتشارات اردبیل. در این کتاب، شعر (۱۱۴) تن از شاعران مازندران آمده است. این‌کتاب از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول به معرفی وضعیت شعر نو امروز مازندران از دهه‌ی هشتاد به بعد است و در آن از تمام گرایش‌های سبکی، ژانرها و جریان‌های موجود در شعر استان با نمونه‌هایی از شعر آزاد سخن گفته شد که نویسندگان پس از مقدمه‌ی مختصر به تحلیل و تبیین شعر هر شاعر پرداختند و در بخش‌دوم دو نمونه شعر از هر شاعر آورده شده است. «**روش و متدولوژی روایت‌گری(شعر دهه‌ی هشتاد)**» از رجب بذر افشان، چاپ (۱۳۹۷) انتشارات سولار در دوازده مقوله چاپ شده است. موضوع کتاب نقد و نظر پیرامون شعر شاعران دهه‌ی هشتاد است و نیم نگاهی هم به مؤلفه‌های پیرامونی شعر پیش از هشتاد دارد. در تحلیل‌های ایشان شعر چند تن از شاعران مازندران از جمله خود نویسنده، اسدالله عمادی و دیگران آمده‌است. «**به سوی داستان‌نویسی بومی**» (۱۳۷۶) از عبدالعلی دستغیب. وی نخستین کسی است که به شکلی مفصل به ادبیات اقلیمی پرداخت. «**نویسندگانِ پیش‌روِ ایران**»(۱۳۷۶) کتابی از محمدعلی سپانلو مروری برقصه‌نویسی، رمان‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی و نقد ادبی است. وی اولین کسی است که موضوع تأثیر جغرافیای اقلیمی را بر داستان‌نویسی معاصر ایران مطرح کرده است. «**صدسال داستان‌نویسی ایران**»(۱۳۶۹) از حسن میرعابدینی. این کتاب دومین اثر قابل توجهی است که به اظهار نظر مفصل درباره‌ی ادبیات اقلیمی ایران پرداخته است. در جلد دوم بخش گسترده‌ای به ادبیات اقلیمی و روستایی پرداخته و نحوه‌ی شکل‌گیری داستان-های اقلیم‌گرا و آثار موجود در این زمینه را بررسی کرده است. «**نقد بوم‌گرا**» و «**درباره‌ی نقد بوم‌گرا**»(۱۳۹۲) از زهرا پارساپور، «**کلمات بیش از آدمی رنج می‌برند**» هستی‌شناسی شعر شاعران معاصر(۱۳۹۳) از سریا داودی حموله، مسیر پیدایش و آفرینش شعر«موج‌نو»، «موج‌ناب»،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

«شعردیگر»، «شعرسپید»، «شعراقلیمی»، شعر در «وضعیت‌دیگر»، شعر «پسانیمایی» و... که جذابیت‌های زیباشناسی خود را دارد، در این مجموعه مورد واکاوی قرار گرفته است. «**صبغه‌ی اقلیمی در شعر معاصر گیلان**»(۱۳۹۵) از رحمان کاظمی که به تأثیرات محیط زندگی چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر فرهنگی و اجتماعی در شعر چهار شاعر معاصر گیلان: گلچین گیلانی، هوشنگ ابتهاج، بهمن صالحی و شیون فومنی پرداخته است.

مقالات: «**در قلمرو ادبیات اقلیمی**» مجله‌ی ماه ادبیات و فلسفه (اسفند ۱۳۸۲و فروردین ۱۳۸۲) از محمد جعفر قنواتی، نقد و تحلیلی است بر سه مقاله‌ای که در کتاب «ادبیات اقلیمی» که به مناسبت همایشی در سال(۱۳۸۰) تحت عنوان «بررسی ادبیات اقلیمی» در رشت برگزار شد. «**اوضاع اقلیمی بر تصاویر شعری شاعران تأثیری انکارناپذیر دارد**»(۱۳۹۰) از مریم رحمانی و محمدرضا سالمیان از مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، به تأثیر اقلیمِ کرمانشاه در تصویرسازی‌های دو تن از شاعران منطقه، پرتو کرمانشاهی و مسعود صادقی بروجردی پرداخته است. «**بازتاب عناصر اقلیمیِ جنوب در اشعار محسن پزشکیان**»(۱۳۹۰) از عبدالرّسول فروتن ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان که به بررسی عناصر اقلیمی در شعر این شاعر کازرونی پرداخته است.

پایان‌نامه‌ها: «**اقلیم و مسایل اقلیمی در آثار دولت آبادی**»(۱۳۸۵) رساله‌ی کارشناسی‌ارشد فاطمه داوودی در پژوهش‌گاه علوم انسانی. «**ادبیات اقلیمی در داستان‌های معاصر ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی**» (۱۳۸۹) رساله‌ی دکتری از رضا صادقی شهپر در دانشگاه تربیت معلم تبریز. «**بررسی عناصر اقلیمی در داستان‌های نویسندگان شمال ایران**»(۱۳۸۹) از رقیه جمالی رساله‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه یزد. «**بررسی عناصر اقلیمی در شعر شاعران محلی سرای جنوب کرمان**»(۱۳۹۰) از غلامشاه نظری رساله‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان. «**بررسی عناصر اقلیمی در اشعار عباس باقری**»(۱۳۹۲) رساله‌ی کارشناسی ارشد پرویز کیخای مقدم دانشگاه زابل. «**تأثیر عوامل محیطی در شعر شاعران معاصر**»(سهراب سپهری و نیما یوشیج)(۱۳۹۳) رساله‌ی کارشناسی ارشد از صبریه پورمحمدی در دانشکدی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه. «**ادبیات اقلیمی و تجلی آن در آثار محمود دولت آبادی**»(۱۳۸۴) عنوان رساله‌ی کارشناسی ارشد ربابه حبیبی در دانشگاه زنجان.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مبانی نظری پژوهش

ادبیات نتیجه‌ی هنجارگریزی زبان یا خروج از هنجارهای زبان معیارست که از شرایط اجتماعی و اقلیمی محیط نیز تأثیر می‌پذیرد. فکر ایضاح ادبیات بر اساس محیط آن، به‌ویژه اوضاع اقلیمی و فرهنگی، قدمت بسیار دارد و در قرن هجدهم به‌ویژه در آثار دوبو[۱]، مارمونتل[۲] و هردر[۳] و در کتاب «درباره‌ی ادبیات» مادام دواستال[۴] به اوج شکوفایی خود رسید. بالزاک[۵] محیط را در مقدمه ی کمدی انسانی به وجهی بارز به معنای زیست‌گاه به کار برده و آن را از ژوفرا سینتیلر[۶] جانورشناس که او هم از علم فیزیک اقتباس کرده، گرفته‌است. هیپولیت تن[۷] (۱۸۲۸– ۱۸۹۳ م) منتقد فرانسوی در بسیاری از جنبه‌ها، ادامه‌دهنده‌ی کار مادام دواستال است. وی ادبیات را محصول زمان، محیط اجتماعی و نژاد می‌داند(ولک،۱۳۷۷ :۵۳). ناقدان ادبی منظور تن را از محیط، جامعه‌ای می‌دانند که اثر در آن پدید آمده است؛ اما در بررسی مکتب‌های ادبی، نظریه‌ی او زمینه‌ساز مکتب طبیعت‌گرایی شده و به این ترتیب محیط او را می‌توان با طبیعت برابر دانست. در فرهنگ ادبی، ذیل مدخل جامعه‌شناسی ادبیات، در نظریه‌ی هیپولیت تن، اصطلاح محیط با دو ویژگی جغرافیایی و اجتماعی ذکر شده است(هابرماس،۲۰۰۹:۳۳۴) [۸] در این بخش ابزارها و مؤلفه‌هایی که در پیش‌برد مبانی پژوهش نقش محوری دارند، تحلیل و تبیین شده است.

فرهنگ: در مردم‌شناسی عبارت است از: «مجموعه‌ای پیچیده از شناخت‌ها، باورها، هنرها، اخلاق، حقوق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت‌ها یا عاداتی که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند»(کوش،۱۳۸۱:۲۷). در زبان‌های هند و اروپایی که تمدن آن‌ها ابتدا در محیطی کشاورزی نمایان شده، معنای فرهنگ با این نوع زندگی و اقتصاد پیوند خورده؛ برای مثال واژه‌ی «کالچر»[۹] در زبان انگلیسی به معنی کشت و کار و رویش آورده شده است و در زبان آلمانی نیز یکی از معناهای «کالتر»[۱۰] کشاورزی است. در فارسی هم فرهنگ به معنای کاریز(قنات) به کار رفته

[1] Dubos
[2] Marmontel
[3] Herder
[4] Madame de Stael
[5] Balzak
[6] Geoffroy saint-Hillaire
[7] Hippolyte Taine
[۷] Abrams&GaltHarpharm
[۸] culture
[۹] kultur

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

است(خلف تبریزی:۱۳۷۰). یعنی ملت دارای فرهنگ، استعدادهای نهفته زمین را از دل آن بالا می کشیده‌است. فرهنگ در نزد ایرانیان «آرایش جان» بوده و با آداب و رسوم، سنت‌ها و خصلت‌ها در پیوند قرار گرفته‌است. فرهنگ با آموزش و پرورش هم‌خوانی داشته و میراث آن همواره با نو شدن های پیاپی بر رفتار فردی و اجتماعی تأثیرگذار بوده‌است. بدین ترتیب فرهنگ می‌تواند از زیست بوم، جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، ارتباطات اجتماعی و بیرونی و عوامل متعدد دیگر متأثر باشد(فلاحی،۱۳۹۰:۲۱).

ادبیات اقلیمی: روان‌شناختی محیطی و متخصصان رفتارشناسی تأثیرات آب و هوایی را بر نوع رفتار، خلقیات و روحیات اقوام برجسته دانسته‌اند.از جمله می‌توان به ارتباط سرما با عمل‌گرایی و سخت‌کوشی، گرما با کم‌توجهی و عصبانیت و پرخاش‌گری، وزش باد شدید و تقویت تصاعدی اضطراب و نگرانی، هوای ابری با اندوه و افسردگی، آب و هوای معتدل و ارتباط آن با خلقیات و روحیات متعادل، یاد کرد.این عوامل اقلیمی سبب خلق عناصر فرهنگی آن اقلیم می‌شود.بنابراین ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی در شخصیت انسان‌ها اثرگذار است.

نویسنده و شاعر با زندگی در جغرافیای محیطی که به همراه خود فرهنگ، آداب و رسوم هایی را به دنبال دارد، با حس و دریافت خود و با تکیه بر فردیتش نوعی از ادبیات را خلق می‌کند که به دلیل ویژگی‌هایی که از آن اقلیم در اثرش مستتر است، می‌تواند وجوه مشترکی با آثار دیگر نویسندگان آن خطه داشته‌باشد. تأملات نویسنده در اقلیم و بوم خاص، سبب پیدایش بازگشت به گذشته و بیان دلتنگی‌ها، انسان‌مداری، تقویت زبان قومی و بومی و حتی آشنایی‌زدایی در زبان معیار خواهد شد. ادبیاتی که مبتنی بر ماهیت جغرافیای خاص باشد؛ به این معنی که مناسبات حاکم بر آن، تحت تأثیر اقلیم و آب و هوای همان جغرافیا قرار داشته‌باشد، ادبیات اقلیمی نامیده می‌شود. توجه به ادبیات بومی و اقلیمی در ایران به دهه‌ی سی برمی‌گردد که در دهه‌ی چهل تا حدودی به پختگی رسید. «تحولات اجتماعی– فرهنگی دهه‌ی چهل(اصلاحات ارضی، طرح مسأله‌ی‌غرب‌زدگی و بازگشت به زندگی ساده و سنتی روستا) نویسندگان را واداشت تا با دید تازه به مسایل زندگی روستایی بنگرند و موجد گرایش ادبی تازه‌ای گردند که آن را تحت عنوان«ادبیات روستایی و اقلیمی» مشخص می‌کنیم.

البته این گرایش در داستان‌ها نمود پیدا کرد و پیش‌رو آن را غلامحسین ساعدی(گوهرمراد) دانسته‌اند. «چنانچه در داستان، توصیف ناحیه‌ای خاص، جزئی از کیفیت ذاتی و ضروری آن اثر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شود و بر وابستگی آن ناحیه با اعمال داستانی تأکید شود»(داد،۱۲۳:۱۳۹۰)، می‌توان آن را داستان اقلیمی نامید.

شعر اقلیـمی: شعر اقلیمی رأس هرم ادبیات بومی و پس‌زمینه‌ی شعر کلاسیک محسوب می‌شود.با همان تقدیرگرایی سنتی و جزءنگری‌های عصیان‌گر، که چالش سنت و مدرنیزم در متن آن نمودی بارز دارد. پیوند با طبیعت، ایجاز، نوستالژی‌گرایی، پرداخت به عناصر کهن، زبان محاوره و تصویرگرایی از مشخصه‌های شاعران اقلیم‌گراست(داودی حموله،۲۰۷:۱۳۹۳). درشعراقلیمی، نشانه‌های بومی با استفاده از ظرفیت‌های زبان معیار، عینی‌تر بیان می‌شوند تا با پررنگ کردن موتیف‌های اقلیمی و خلق فضایی در محیط خاص، شعری خاص و ویژه پدید آورد. شعر اقلیمی با کروکی خاص و تأکید بر«من» از هم‌پیوندی عینیت با ذهنیت شکل می‌گیرد و اغراق و بزرگ‌نمایی از عناصر بنیانی و ارگانیک آن محسوب می‌شود. توجه به طبیعت، عشق به بوم و اشاره به باورها، بیان اعتراض و نارضایتی از وضع موجود از ارکان اصلی شعر اقلیمی است که تاریخ، اسطوره، افسانه، آیین، سنت و باورداشت در آن متجلی می‌شود. شعر اقلیمی در پی کشف فرم و فضاهای دیگری است؛ به طوری که انسان‌مداری، طبیعت‌سرایی و جان‌دارپنداری در شعر اقلیمی و شعر موج ناب نسبت محسوسی با هم دارند. «شعر اقلیمی مدرن خویشاوند نسبی شعرموج ناب است که بسان یک بیانیه‌ی‌نوستالژیک رویکردی تاریخی ـ اسطوره‌ای دارد»(همان:۲۱۴).

اگر نویسنده و شاعر خود اهل همان بوم و اقلیمی باشد که درباره‌ی آن می‌نویسد، شکل اثر، زبان و درون‌مایه‌ی‌آن به طور طبیعی از آن اقلیم و بوم تأثیر می‌پذیرد. ولی گاهی نویسنده و شاعر ساکن جای‌دیگری است که مدتی در محل اقامت داشته و به زبان معیار و رسمی می‌نویسد و ضمن توصیف و حالات اشخاص داستان، از گویش محلی استفاده می‌کند و گاهی اهل آن بوم و اقلیم نبوده، با جغرافیای انسانی محل آشنایی ندارد؛ این قبیل آثار طبعاً ساختگی و تصنعی است.

با توجه به تقسیم‌بندی‌های شاخصه‌های گوناگونی که نویسندگان و پژوهش‌گران در زمینه‌ی ادبیات اقلیمی مطرح کرده‌اند، طرح زیر برای جستار پیش رو مورد توجه قرار گرفته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی (۱) شاخصه‌های اقلیمی

شاخصه‌های جغرافیایی	شاخصه‌های فرهنگی-اجتماعی	شاخصه‌های اقتصادی
-طبیعت و محیط طبیعی(کوه، دشت، جنگل و دریا -آب و هوا(رطوبت، هوای بارانی، هوای ابری و مه‌آلود) - بناها و نوع معماری	- زبان (لهجه و گویش) -آداب و رسوم(باورها و اعتقادات) - بازی‌ها و سرگرمی‌ها - نژاد و قبیله - تاریخ و اسطوره - موسیقی و هنر	-فعالیت‌های‌اقتصادی (کشاورزی، دامداری، باغداری صیادی، شکار) - مشاغل و امرار معاش

کارکرد ادبیات اقلیمی:

مهم‌ترین کارکرد ادبیات اقلیمی شامل: توجه به جغرافیای طبیعی و اقلیمی، توجه به زبان، گویش و لهجه‌های محلی، توجه به مسایل تاریخی، سیاسی و اجتماعی، مردم‌شناسی، حفظ سنن و ارزش‌ها و مناسبات اقتصادی– معیشتی است.

نمودار شماره‌ی (۱) کارکردهای اقلیمی

محیط جغرافیایی و اقلیم آب و هوایی، امکانات ارزنده‌ای را برای بروز نوآوری‌های شاعر فراهم می‌کند. نیما یوشیج با پیش‌گامی خود در این زمینه با استفاده از این امکانات یک اثر نقاشی طبیعی و موسیقی موزونی از طبیعت مازندران به دست می‌دهد. برقراری ارتباط با طبیعت و الهام

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

از آن، شاعر را بر آن می‌دارد تا از طبیعت و نه از قالب‌های متعارف پیروی کند و در واقع این انس و الفت با طبیعت وی را به سوی نوآوری سوق می‌دهد.

اشعار نیما علاوه بر اثرپذیری از عناصر زیست‌محیطی خطه‌ی شمال، تحت نفوذ زبان و فرهنگ طبری نیز می‌باشد. در اولین نگاه به مجموعه‌اشعار نیما، خواننده متوجه کاربرد کلمات مازندرانی می‌شود که عموماً به مکان‌ها، درختان و جانوران دلالت داشته و نشان‌گر اهمیت این کلمات در نمود شرایط اقلیمی و زیست‌گاهی شاعر است(عموزاده مهدیرجی، ۱۳۹۵: ۵۶). تصویر هر چقدر هم درونی باشد و از لایه‌های پنهان وجود شاعر نشأت گرفته باشد؛ باز هم تحت تأثیر اقلیم خاصّ شاعر است؛ مثلاً در شعر نیما، اقلیم خاصّ منطقه‌ی شمال بسیار جلب توجه می‌کند. «تعداد قابل ملاحظه‌ای از واژه‌های اشعار نیما برگرفته از زبان محلی مردم مازندران است. ویژگی دیگر شعر نیما طبیعت‌گرایی و مایه و موجب اصلی بسیاری از شعرهای نیما دیدن مناظر طبیعی اطراف است. زادگاه نیما «یوش» سرشار از مناظر زیبای طبیعی است»(پورچافی،۱۳۸۴: ۲۳۸). اگر تأثیر جغرافیای طبیعی و انسانی را در ادبیات اقلیمی بپذیریم در این صورت می‌توان از طریق ادبیات نیز به مطالعه‌ی اقلیم‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها پرداخت و با این دیدگاه به سراغ سه شاعر فارسی‌سرای معاصر رفت که در زمینه‌ی شعر تبری هم فعالیت‌هایی داشته و از سه ناحیه‌ی مختلف مازندران انتخاب شده‌اند. این شاعران از نظر دوره‌ی زمانی و فعالیت در حوزه‌های شعر و داستان و نقد و پژوهش از نویسندگان و شاعران پرکار مازندران محسوب می‌شوند.

معرفی شاعران :

الف- جلیل قیصری؛ شاعری از حوزه‌ی غرب مازندران

جلیل قیصری(۱۳۳۶) متولد «فیروز کلاعلیا کجور». کارشناس زبان و ادبیات فارسی و اکنون بازنشسته‌ی آموزش و پرورش و ساکن «وازی وار» نوشهر است. از نیمه‌ی دهه‌ی (۱۳۶۰) به طور جدی شعر و ادبیات را پیش گرفت و پس از آن، نخستین شعرهایش را در مجلات به چاپ رساند.

ب- اسدالله عمادی شاعری از حوزه‌ی شرق مازندران

اسدالله عمادی(۱۳۳۱) متولد«کاورد» از روستاهای دودانگه‌ی ساری. کارشناس زبان و ادب فارسی، دبیر بازنشسته‌ی آموزش و پرورش است. وی هم در قالب کلاسیک و هم به شیوه‌ی نیمایی و سپید شعر می‌سراید و گه‌گاه با سرودن اشعاری به گویش طبری طبع‌آزمایی می‌کند. علاوه بر شاعری در زمینه‌های داستان‌نویسی و پژوهش در تاریخ و ادبیات نیز فعالیت دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پ- علی‌اکبر مهجوریان نماری شاعری از حوزه‌ی مرکز مازندران

علی‌اکبر مهجوریان نماری(۱۳۹۵-۱۳۲۳) در روستای کوهستانی «نمار» آمل متولد شد. وی کارمند سابق بانک و از شاعران و پژوهش‌گران تلاش‌گر ادبیات بومی مازندران بود که شعر و شاعری را از سال(۱۳۴۰) با روزنامه‌ی محلی شروع کرد و در نشریات معتبری از جمله مجله‌ی روشن‌فکر، آفتاب شرق، دانش‌جوی مشهد و روزنامه‌ی اثر ساری، مقالاتی را به چاپ رساند.

بحث و بررسی

انسان از آغاز خلقت با طبیعت درارتباط بوده است «بررسی نحوه‌ی نگرش انسان به طبیعت در آثار ادبی می‌تواند از عواملی چون جنسیت، زمان، فرهنگ و اندیشه تأثیر پذیرفته باشد. اشعار فارسی در طول تاریخ ادبیات انواع رابطه‌ی انسان را با طبیعت در خود متجلی ساخته است. رابطه- ی انسان با طبیعت، ارتباط ثابت و یکسانی نبوده است»(پارساپور،۱۳۹۲: ۲۱). برقراری ارتباط با طبیعت و الهام از آن، شاعر را بر آن می‌دارد تا از طبیعت و نه از قالب‌های متعارف پیروی کند، در واقع این انس و الفت با طبیعت وی را به سوی نوآوری سوق می‌دهد. محیط مادی عمدتاً به ویژگی‌های جغرافیایی یک منطقه مانند: کوه، دشت، ساحل، آب، دریا، و شرایط اقتصادی بستگی دارد در حالی که منظور از شرایط اجتماعی، خصوصیات غیر مادی مانند شرایط فرهنگی، قومی، زبانی، مذهبی و سیاسی یک جامعه است. گرچه این تمایز برای تبیین و توصیف یک زبان مشخص با مشکلات نظری و عملی مواجه است، با این حال چارچوب مناسبی برای بررسی موضوع حاضر محسوب می‌شود. شاعران اقلیم‌گرای مورد بررسی ما دغدغه‌های مشترکی دارند. انضباط ذهنی و جستارهای معنایی آنان تحت تأثیر موقعیت‌های جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی است. طبیعت، فرهنگ و هویت قومی(آیین‌ها، باورها و سنت‌ها) برای این شاعران اهمیت ویژه‌ای دارد. برجستگی‌های زبان بومی، پناه‌بردن به اسطوره‌های ملی– قومی و جمعی از ویژگی‌های بارز اشعارشان است.

شاخص‌های جغرافیایی

شاخص‌های جغرافیایی در شعر سه شاعر معاصرمازندرانی بسامد فراوانی دارد.این شاخص‌ها عمدتاً سبب خلق تصاویر زیبا شده است. وحدت اوضاع جغرافیایی از قبیل: آب و هوای ابری و مه‌گرفته، میزان بارندگی و رطوبت بالا، کوه‌ها و دامنه‌ها، رودها و دریاها، درختان، جنگل، بیشه،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

دشت، گل‌ها و گیاهان، حیوانات و پرندگان، شهرها و روستاها، بناها و معماری در زیست‌بوم مازندران، سبب پدیدآمدن شعر با نگاه اقلیم‌گرایانه در شعر شاعران مورد نظر شده است. یگانگی با طبیعت و هم‌ذات‌پنداری با پدیده‌ها سبب باروری تخیل و عاطفه در شعر می‌گردد. نیما یوشیج نیز بر این باور است که شعر شاعر باید نشان‌گر محیط و اقلیم او باشد.

اسدا...عمادی خود را با طبیعت مازندران یگانه می‌بیند. «هم‌سفره‌ی درخت» می‌شود؛ از «بلوغ جنگل البرز» می‌گوید و با بادهای شمالی به سفری عاشقانه دور مازندران، «این دختر پریزاد ایران» می‌رود. از شهرها و روستاهایش یاد می‌کند؛ ساری را «شهر عشق، شهر باران و لیموهای خورشیدی» می‌خواند و چهار فصل آن را عاشقانه می‌سراید. با «نگاهی دریایی» و «صدایی بارانی» در توصیف روستای زادگاهش ترانه می‌خواند:

«خانه دارد در بلند ابرها، «کاورد»(۱)من/ سر بر البرز و نگاه تا ناکجا کاورد من»(زیباست با تو خواندن:۳۴).

«بوی شالی می‌دهد پیراهنم/ سبزی تن‌پوش جنگل بر تنم/ بوی نارنج است در آواز من/ بوی گندم در صدای ساز من»(زیباست با تو خواندن:۵۳).

نام بردن از گل‌ها و گیاهان خاص اقلیم و آب و هوای مازندان به شعرش، حال و هوای شمال می‌دهد و خواننده را با خود همراه می‌سازد. توجه به رنگ‌ها به‌ویژه سبز در بیش‌تر اشعار عمادی حاصل سبزاندیشی و جلوه‌گر سرسبزی اقلیم مازندران است.

«دستم پر از طراوت رنگ است: آبی- بنفشِ صلح/ سبز زلالِ عشق/ گرمای سرخِ شعر/ اندوه زردِ برگ/ رمز آبی من، لاجوردِ دریاهاست»(آخرین ایست‌گاه:۵۱).

در شعر عمادی واژه‌ی «پلنگ» پربسامد است که غالباً نمادین و رمزی از خود شاعر است: «پلنگ زخمی کوه و عقابی بی پر و بالم».

«بر صخره و ستیغ/ دل‌بسته‌ی رویاهای خویش است، پلنگ/ زیبا و حسرت‌انگیز/ شاعر خاموش ماه و علف‌های نمناک/ همسایه‌ی آفتاب و هم‌خوابه‌ی ابرهای پریشان گیسو»(برای عاشق شدن:۴۹).

تکرار و فراوانی پرندگانی چون «قناری و مرغ عشق» حاکی از نگاه عاشقانه‌ی شاعر دارد. نگاهش به باران و شرایط اقلیمی، گاه مثبت و غالباً منفی است. برف و بوران و هوای یخبندان، شاعر را درمانده کرده و در دریای طوفانی امیدی به ساحل ندارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

«هنوز نبض علف می‌زند به صحراها / و در تخیل باران زمین ما زیباست»(زیباست با تو خواندن:۹).

«شانه‌هایت را بتکان از ریزه‌های سمج برف !/چه یخ‌بندان گرگی گذشت برما!»(برای عاشق شدن :۲۸).

شاعر غالباً برای بیان تخیلی و افزودن بار ادبی کلام از شاخصه‌های اقلیمی بهره می‌گیرد، در نگاه طبیعت‌گرای خود سروده‌ای را به دماوند و دوست‌داران محیط زیست تقدیم می‌کند و درنگ در طبیعت زیبای مازندران را لازم می‌داند؛ چراکه در حال نابودی است:

«اما چرا همیشه زمان بر مدار مرگ می‌چرخد؟... تعبیر خواب علف چیست؟ /تفسیر قتل عام شقایق ؟/ و مرگ می‌رسد: از پلک برگ‌ها عبور می‌کند و خونِ رنگ‌های بهاری/ وقتی پلنگ دامنِ البرز کوه می‌میرد/ قلب زمین چگونه می‌تپد؟!/ و جنگل جوان، چگونه هق هق خود را در آب می‌شوید؟»(برای عاشق شدن:۴۷).

گاهی در سوگ طبیعت مازندران می‌سراید:

«آه ای «هراز»/ ای سوگوارِ «لار»/ پیراهن سیاه «تجن» را/ به آب‌ها بسپار/ «تالار» نیز مرده است»(آخرین ایستگاه: ۸۶).

علی‌اکبر مهجوریان که خود را «از اهالی بام‌های بارانی و نارنج‌های سردر مه» معرفی می‌کند، یأس و ناامیدی و دل‌تنگی در سراسر شعرش خیمه زده؛ شاعر، باران را دوست ندارد و تاب نمی‌آورد و «لحظه‌های مه در مه» آشفته‌اش می‌کند. حتی آمدن بهار را باور ندارد.

«شاید بهار آمده باشد/ اما چرا/ گنجشگک‌ام / نزدیک‌تر نمی‌آید/ و پر نمی‌گشاید/ از بامم»(ازین حوالی بارانی:۷۸).

«و در زمستان این حوالی همیشه بارانی اما/ مِه همه جا را گرفته است، چشم چشم را نمی‌بیند/ در این جا که باشی، دلت همیشه می‌گیرد / و باران بیداد می‌کند»(همان:۵).

«هزار سال/ هزار سال سیاه است/ که می‌نشیند و/ می‌بارد/ و بی‌خیال می‌بارد و/ بی هیچ خواستنی / استغاثه‌ای / و دعایی»(همان:۴۸).

«تا سینه در گِل و لایم/ در زیر چتری که سیم‌هایش/ قاطی‌ست/ با تکیه‌ای به دیواری، که دارد می‌رود»(با یاس‌های بعد از ما:۸۴).

عناصر اقلیمی در شعر مهجوریان ابزارها و عناصری برای توصیف و تشریح رنج و اندوه درونی شاعر است. در شعر جلیل قیصری، طبیعت‌گرایی و اومانیسم گویا از سرشت کوهستانی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شاعر سرچشمه می‌گیرد. وی دانش خود را بیش‌تر از نوع زندگی می‌داند تا کتاب. در آغاز دفتر «هنوز کو تا سپیدخوانی این برف» از تجربیات بومی خود به اجتماع نقب می‌زند و داستان نمادین توله گرگی را روایت می‌کند که گم شده و در پرسه‌های نابلد خود، معصومانه ترس‌ها و گرسنگی-ها را تحمل می‌کند؛ حکایت انسان سرگشته‌ایست که در جنگلی زمستانی با تمام خطرهایش، یک شبه پیر می‌شود:

«دنیا که آمدم برف می‌بارید/ قابله تا نافم را برید/ توله گرگی در من زوزه می‌کشید/ زندگی راه افتاد»(هنوز کو تا... :۷).

در حقیقت، ستایش طبیعت، ستایش سادگی‌ها و صمیمیت‌ها و بازگشت به خویشتن اصیل انسان است. این بازگشت، آشتی انسان با جهان و این همانی انسان و طبیعت است که ریشه در ادبیات عرفانی دارد و این همه را با نگاه تازه و تجربه‌ی حسی خود با ما در میان می‌گذارد. «در نظر شاعران اقلیم‌گرا، عینیت‌گرایی بر ذهنیت‌گرایی مقدم است؛ زیرا آگاهی ازجهان هستی و پدیده‌ها، شرط وجود هستی است»(داودی حموله،۱۳۹۳:۲۱۲). از طرفی انسان‌گرایی و طبیعت-گرایی انگیزه‌ی مشترک آن‌ها را شکل می‌دهد. نوع سرایش و قالب مهم نیست؛ قالب‌ها و ساختارها تنها برای بیان عینی و محسوس طبیعت و اقلیم مازندران است. در شعر اقلیمی اگر جهان‌بینی شاعر فاقد عینیت و باریک‌بینی لازم باشد و نگاهش از حد توصیف طبیعت و آب و هوا فراتر نرود، نگاه سطحی و توجه روساختی به پدیده‌ها سبب روایت واقعیتی گزارش‌گونه و غیر ادبی می‌شود. طبیعت‌گرایی در سروده‌هایشان سبب تقویت بن‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی شده‌است ؛ اگرچه واقع‌گرایی اجتماعی، روایت‌گونه و مستند غالب‌تر است.

شاخصه‌های فرهنگی- اجتماعی

پرتکرارترین شاخصه‌های فرهنگی–اجتماعی شامل: «زبان، تاریخ، حوادث تاریخی، اسطوره و شخصیت‌های اسطوره‌ای، واژگان بومی، موسیقی و هنر» است. شاعران حوزه‌ی‌تحقیق ما برآمده از کوهستان‌های مازندرانند :جلیل قیصری در «کجور»، علی اکبر مهجوریان در «نمارستاق» آمل، اسدالله عمادی در«دودانگه» ساری، جالب‌تر آن که زندگی در مناطق جلگه‌ای را نیز در کنار آن تجربه کرده‌اند: نوشهر، آمل و ساری. به این ترتیب شاعران برآمده از کوه و طبیعت سرسبز مازندران کنش‌های مشابهی را در رویارویی و تصویرپردازی با بهره‌گیری از تجربیات زیست-محیطی خود ارائه می‌دهند. توجه به اقلیم و محیط جغرافیایی ظرفیت‌های زبان و شعر فارسی را در صور خیال گسترش می‌دهد و به شاعر این امکان را می‌دهد که از این طریق برای حفظ روانی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جریان خلاقیت شعر و تداوم حالت عاطفی خود بکوشد. «تصرّف ذهنی شاعر، در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را «خیال» یا «تصویر» می‌نامیم و عنصر معنوی شعر، در همه‌ی زبان‌ها و در همه‌ی ادوار، همین خیال و شیوه‌ی تصرف ذهن شاعر در نشان دادن واقعیّات مادی و معنوی است»(شفیعی کدکنی،۱۳۵۸:۱۶-۲). تخیل، عاطفه و تجربه به عنوان عناصر معنوی شعر، بیش از هر چیز می‌تواند از شرایط اقلیمی محل زندگی شاعر بروز کند. تجربیاتی که در خودآگاه و ناخودآگاه فرد حضور دارد و در روساخت و ژرف‌ساخت اثرش بروز می‌کنند.

در شعر عمادی، قیصری و مهجوریان، قدرت زبان به عنوان یکی از نمودهای فرهنگی در ساحت شعر بسیار شیوا و روان و دل‌نشین است. استفاده از واژگان بومی و ترکیب‌های مناسب و اهمیت دادن به حفظ ساختار زبان گفتار برای باورپذیری بیش‌تر، طبیعی و گاه ضروری است. استفاده از واژه‌های خاص محلی(اصطلاحات بومی، نام‌های محلی گیاهان، جانوران، رسوم و عادات محلی) تشخص ویژه‌ای به شعر این شاعران بخشیده است و به خاطر گستردگی این ویژگی می‌توان عمادی، مهجوریان و قیصری را از اقلیم‌گراترین شاعران معاصر مازندران دانست. عمادی بیش‌تر از واژگان فخیم و تا حدودی آرکائیک بهره می‌گیرد و بسامد واژگان بومی در اشعار فارسی او انگشت‌شمار است. واژگانی چون: «گلام، دار، آیش، چلچلا، ململ، تی تی کاک» ازین قبیلند:

«فراز جنگل «مهدشت»باد می‌رقصد/ ز شرم گرم بلوغ جوانه، از تن دار/ عرق به چهره‌ی برگ« چماز(۲)» می‌ریزد»(آواز ریشه‌ها:۲۵).

«و «تی‌تی(۳) وار»/ یاران من به خنده نشستند؟»(بازگشت به سرزمین مادری:۴۲).

مهجوریان در سروده‌ی بلند «خاللر» انبوهی از واژگان بومی را در بطن کلام جای می‌دهد.

«لم داده، روی شانه‌ی «کِل‌دم» تفنگ خویش/ خاللر.../ «چوخا(۴)» به تن/ با «دسّه چو(۵)»/ گرفته/ هدف تان»(از دیار خانه‌های بارانی:۵۲).

کاربرد زبان گفتاری و واژگان امروزی در شعر مهجوریان نیز اندک است؛ زیرا به سلامت و روشنی زبان او آسیب می‌رساند:

«توی هشتی/ توی ایوون /دخترم گریه کنون/ می‌آد، می‌گه که دم صبح/ چلچله‌اش/ تو آسمون پر زد و رفت»(با یاس‌های بعد ازما:۱۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

قیصری توجه ویژه‌ای به کاربرد واژگان بومی در اشعار فارسی‌اش نشان می‌دهد، مانند: «بیشتواش، جانتی، رچیا، کیلمه، بینجگر و ...» و اسامی کوه‌ها و محلات و رودها، شیفتگی او را به زبان و اقلیمش نشان می‌دهد:

«و گرازانی گر/ به شبچره/ در روشنای«گول سوی(۶) »بینجگر پیر»(از کنگه لو تا...:۳۳).

«این راه به کجا می‌رود مشدی؟/ این راه به ده‌کوره‌ی گمنامی/رچیای(۷) رنج/ کیلمه‌ی(۸) ناکامی»(همان:۱۶).

یکی از واژگان پر بسامد در شعر این شاعران موسیقی، ترانه و ساز و آواز است که نشان‌گر پیوند تنگاتنگ شعر با هنر موسیقی است که در ذهن و کلام شاعران جاری است.

«مرغی که «جامه دران(۹)»را/ در عاشقانه‌ای می‌خواند(آخرین ایستگاه :۹۰).

«دوباره ساز/ دوباره، زخمه به زخمی قدیم/ دوباره، زخمه به بغضی پنهان/ در پستوی خانه»(ازین حوالی:۵۴)

«تنها چیزی که به جا ماند از پدر/ نی هفت بندش بود/ همین که دست و دلمان تنگ می‌شود/ جمع می‌شویم/ و صدایش را به نسبت تقسیم می‌کنیم»(هنوز کو تا سپیدخوانی:۶۹).

عمادی در شصت سالگی هنوز خودش را عاشق می‌بیند و با وجود اندوهی بزرگ، عشقی بزرگتر در اشعارش موج می‌زند و خود را «کودک تمام عشق‌های جهان» دانسته و با صراحت عشق را «آخرین ایست‌گاه جهان» می‌خواند.

«آه! مرا بمیران/ پیش از آن که بمیرم/ ای عشق»(برای عاشق شدن:۵۲).

قیصری از عاشقانه‌های گرگی سخن می‌گوید که او را نماد مهر و خوبی و خانواده دوستی و همکاری و همیاری جمعی می‌داند.

«در زوزه‌های گرگی عاشقم/ که زمستان/ جفتش را/ پیش از آمدن برد».(کوکویی بر شاخه ناپیدا:۱۰۲).

«هنوز آب به آسیاب عشق می‌ریزم / دوبیتی می‌گویم»(از کنگه لو تا کومه‌های دور:۴۹).

از نظر مهجوریان «سوار عشق، سفر کرده» از عاشق بودن می‌پرهیزد و تنها «با جمع عاشقانه یاران» و با «ترنم انگشت‌های بیدار» زخمه‌ی دوستان هوای عشق در او برانگیخته می‌شود.

«و عاشقانه بخوانم، کنار رود «تجن»/ ترانه‌های «امیری»، ترانه‌های «کتولی»(از دیار خانه‌های بارانی:۲۶).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

امروز انسان در اکثر هنرها، احساس نوستالژیک و حسرت‌واری نسبت به گذشته دارد، این به دلیل تصرف تمدن امروز در همه‌ی‌اشکال زندگی و طبیعت است. این نوستالژی در شعر شاعران برجستگی خاص دارد. مهجوریان از دل‌بستگی به کوه‌های نمارستاقش می‌گوید.

«یک روز، کوه‌های «نمارم»/ ماوای دختران و پری‌ها بود/ میعادگاه بود، دامنه‌هایش»(ازین حوالی بارانی:۴۰).

عمادی از دل‌تنگی‌ها و خاطرات زخمی‌اش می‌گوید.

«روز تولدم را آذرخشی بر سینه‌ی بلوط کهن‌سال نوشت/ کودکی‌ام در سنگستان دل‌تنگی‌ها گذشت...خاطره بود و خاطره‌های زخمی ...»(آخرین ایستگاه:۳۹).

در شعر قیصری حس نوستالژی– تراژیکی با لحن خطابی و عصیان‌گر که بیش‌تر معطوف به واقعیت‌های اجتماعی است، به چشم می‌خورد. بسامد کولی در اشعار کوتاه و بلندش به سبب تجربه‌ی کودکی و نوستالژی است که از آن دوران در ذهن شاعر باقی مانده است. مضامین روی محور عاطفی- اندیشگی قرار دارند.

«بی که بداند/ سال‌هاست به دنبال صبح و سکه‌اش می‌گردد/ کودک چهل ساله‌ای/ که کودکان را درس می‌دهد» (همان:۴۳).

«دلم/ دایره‌ی کولی‌هاست/ می‌رود/ ده به ده»(از کنگه لو..:۴).

«آرزوهایت را از ساز کولی‌ها می‌شنوم/ دخترک سیاه چشم»(من و جهان ..:۱۰).

شاعر وقتی فرهنگ، آداب، رسوم و جغرافیای محیطی را که در آن زندگی می‌کند، می‌بیند، حس می‌کند و دریافت‌هایش را می‌نویسد، با تکیه بر فردیتش نوعی از ادبیات را خلق می‌کند که به دلیل ویژگی‌هایی که از آن اقلیم در اثرش مستتر است، می‌تواند وجوه مشترکی با آثار دیگر نویسندگان آن خطه داشته باشد. عمادی که در حوزه‌ی داستان هم دستی دارد به زیبایی به این باورها در شعرش اشاره می‌کند.

«طوفان به سینه‌ی در، تند مشت می‌کوبید/ همسایه گفت: جشن شغال‌هاست»(برای عاشق شدن:۲۵).

قیصری بر این باور است که تجربیات زیستی که از باورهای قومی و تاریخی و تقویمی نشأت می‌گیرد، اگر با سازوکارهای دیگر هنر کلامی هم‌ساز شود، می‌تواند آثار خوبی را به بار نشاند؛ به بیان دیگر تجربیات زیستی شناسنامه‌ی خودآگاه و ناخودآگاه ذهن و روان و اعمال انسانی است که البته برخی از باور دینی ناشی می‌شود؛ نظیر: «مرگ از رگ گردن به تو نزدیک‌تر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

است، دروغ گو سگ است، خدا را شکر دفع بلاست و....» برخی نیز مربوط به بوم و اقلیم خاص است.

«شغالان که به زوزه آمدند/ دریا که در صدا نشست/ مادرم گفت: شکر خدا فردا آفتابی است»(کوکویی بر شاخه ناپیدا:۴۵).

مهجوریان که خود کتابی با نام «باورها و بازی‌های مردم مازندران» تألیف کرده، هرازگاهی با زبانی ساده و به بیان این باورها در شعرش می‌پردازد.

«اما من/ گاو خوشحالی من/ مرده‌ست/ کاسه‌هامان/ بی‌شیر مانده‌ست/ دست من می‌دوشد خالی را/ فکر من می‌نوشد خالی را/ پرده‌هایم سوراخ/ فرش‌هایم پاره/ بس که از دیده من خواب بد افتاده‌ست».(با یاس‌های بعد از ما:۱۵).

به کار گرفتن تاریخ و اسطوره و شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، بیان تاریخ باستانی و اسطوره‌ها در معرفی دیار مازندران، «اسپهبدان باوندی» از مردان حماسه گرفته تا هنرمندان و شاعران و از اعراب و سلجوقیان و تاتار، از مازیار و کوه‌یار به شکل حقیقی و یا تغییریافته از دیگر ویژگی‌های شاعران اقلیم‌گراست. نگرشی تاریخی در شعر عمادی، اسطوره‌هایی با فضای رمانتسیسم اجتماعی به وجود آورده؛ اشعار و نوشته‌هایش آمیزه‌ای از طبیعت‌گرایی و آرمان‌گرایی است که در فضای اجتماعی بر حول انسان‌گرایی خودنمایی می‌کند. حس‌حماسی پنهان در اشعارش باعث تقویت جریان‌های فرهنگی موجود در جامعه می‌شود.

قیصری گاهی از ده‌کده‌ی جهانی دروغین و شعاری، ابزارشدگی انسان و تناقض بین صنعت و سنت و سیطره‌ی اشیا بر انسان می‌نالد و گاهی به کشتار جمعی، نابودی محیط زیست و... اشاره می‌کند.

«آب شهر که قطع می‌شود و آب آسمان قتال/ شعر که از من می‌گریزد/ روزنامه‌ای نگاهم را مزمزه می‌کند:/ کامپیوتر هم شعر می‌گوید»(من و جهان...:۱۷).

عمادی در سروده‌ای با عنوان «سمفونی بزرگ آخر» ده‌کده‌ی جهانی را تصویر می‌کند و از کومه‌ها و برج‌ها و محله‌ها و خانه‌هایی می‌گوید که زندگی در آن‌ها حضور دارد و در پایان برای شهرهای سیاه‌پوش آهنگ تازه ساز می‌کند تا «سمفونی بزرگ» را دیگران هم بشنوند.

«در همه‌ی فرودگاه‌های جهان فرود می‌آییم... و ما با چمدان‌هایی از سازهای شوریده/ هجرت می‌کنیم»(برای عاشق شدن...:۵۱).

شاخصه‌های اقتصادی و معیشتی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

یکی از مؤلفه‌هایی که بیان‌گر اقلیم خاصی است، فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی است که شامل اموری چون: کشاورزی، دام‌پروری، باغ‌داری، صیادی، شکار و مشاغل مردم و امرار معاش آن‌ها می‌شود. این شاخصه در مقایسه با دو شاخصه‌ی قبل یعنی جغرافیایی و فرهنگی- اجتماعی چندان در شعر شاعران مورد پژوهش پررنگ نیست. یکی از دلایل عمده‌ی این مسأله به دور بودن این مسایل از حوزه‌ی کار شاعرانگی است. عمادی در معرفی خود می‌گوید: پیراهنش بوی شالی می‌دهد و سازش بوی گندم. در معرفی شهر «بابل» از شالی‌زار و برنجش می‌گوید، از باغ و بذرافشانی و خوشه‌چینی در غزلیاتش می‌گوید. اشاراتی به قصاب و صیادی و شکار و شکارچی نیز دارد. از ناخدا و لنگر و کشتی و شب آشوب و پهلوگرفتن نیز می‌گوید.

«هر طرف آیش است و کرت باغ/ گندم است و آفتاب خوشه‌ها/ چشمه‌ی خزر زلال‌تر»(آواز ریشه ها:۲۰).

«ای ناخدا/ لنگر کجاست؟/ مادر کجای این شب آشوب/ پهلو گرفته‌ایم»(آواز ریشه‌ها:۱۵).

مهجوریان فراوان از زندگی شبان – رمگی، دوشیدن شیر، چراندن گله‌ها در کوهستان‌های نمار می‌گوید. از جلگه‌های سبز نمار که با بوته‌های چای آراسته شده و شبانانی که هیمه می‌افروزند، از چوپان شب کلاهی به نام خاللر ، از دستان پینه بسته‌ی بینجگر در وقت درو می‌گوید، از رنج کشاورزی پدرش.

«وقتی پدر با گاوآهن می رفت/ و آهن نرم می‌شد با زحمتش».(با یاس‌های بعد از ما: ۱۱۳).

در شعر قیصری بیش‌تر به کولیانی اشاره شده که از راه دوره‌گردی و آهنگری امرار معاش می‌کردند و خود شاعر از دوران کودکی خود دل‌بستگی زیادی با آنان دارد. از بینجگر پیر و روشنایی «گول سوی» او می‌گوید و از چوپان و چرای گوسفند و سگ گله‌اش، از چشمان گرسنه‌ی صیادان. از جاحیم و جوراب‌بافی می‌گوید، از کشت و کار از شکار و صید ماهی از کندوهای عسل و پنبه‌زارها.

«زنی که/ بر مرده‌های قد و نیم قد/ جوراب می‌بافد/ مردی که/ بذر می‌رسد به خوشه‌ی رویا/ دود می‌رود/ در تنور تن(هنوز کوتا...:۳۷).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش شاخصه‌های اقلیمی و فرهنگی در مجموعه شعرهای اسدا...عمادی، علی‌اکبر مهجوریان و جلیل قیصری تبیین و تحلیل شده است. درسروده‌های اسدا...عمادی، تصویرسازی با

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

طبیعت، هم‌ذات‌پنداری انسان و طبیعت تا جایی است که به مرز استحاله‌ی شعر و شاعر و طبیعت می‌انجامد و «هم‌سفره‌ی درخت» می‌شود، با «نگاهی دریایی» و «صدایی بارانی» ترانه می‌خواند، یادکرد گل‌ها و گیاهان خاص اقلیم مازندان به شعرش حال و هوای شمال می‌دهد. توجه به رنگ‌ها به‌ویژه سبز در بیش‌تر اشعار عمادی حاصل تفکر سبز و نماد سرسبزی اقلیم مازندران است. نگاه زیست‌محیطی عمادی، درنگ در طبیعت زیبای مازندران را لازم می‌داند، چرا که در حال نابودی است. از حیث فرهنگی بسامد واژه‌ی «پلنگ» نمادی از خود شاعر است. تکرار و فراوانی پرندگانی چون «قناری و مرغ عشق» حکایت از نگاه عاشقانه‌ی شاعر دارد. نگاهش به باران و شرایط اقلیمی گاه مثبت و غالباً منفی است. برف و بوران و هوای یخ‌بندان شاعر را درمانده کرده است. موسیقی و عشق در کنار مشکلات، تنهایی و مرگ به مثبت‌اندیشی شاعر می‌انجامد. به کار گرفتن تاریخ و اسطوره و شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای به شکل حقیقی و یا تغییر یافته از ویژگی‌های بارز شعر او است. کاربرد واژگان شفاف و تا حدودی آرکائیک و محدودیت تعداد واژگان بومی در اشعار فارسی او قابل توجه است.

شعر علی‌اکبر مهجوریان حاصل ناکامی، تجربیات تلخ، حقایق عینی و جزئی است که در طول زندگیهفتادو دوساله‌اش سپری کرده است. از منظر فرهنگی ضریب نفوذ واژگان «باران، ابر و مه» از میان شاخصه‌های جغرافیایی بیش از دیگر مؤلفه‌هاست. وی که از اقلیم همیشه بارانی خود طرفی نبسته و چون پرنده‌ای در زیر باران حوادث خیس خیس شده است، شعرش برمدار اندوه- سرایی می‌چرخد. واژگان بومی را به زیبایی در بافت شعر فارسی گنجانده است. نگاه ساده‌ی او با مونولوگ‌های روایی- نوستالژیکی همراه است. اسطوره ها و ترانه‌هایش بومی و غرق در ناکامی هستند. زمانی که از چوپان شب کلاهی به نام «خاللر»می‌گوید یا از زخمه‌های نی و ساز غمگین و ترانه‌های بومی مثل «طالبا، لیلی جان و امیری کتولی» سخن می‌گوید. نگاه جهانی ندارد و درگیر پدیده‌های امروزی نیست.

در شعر جلیل قیصری، طبیعت‌گرایی و اومانیسم گویا از سرشت کوهستانی شاعر سرچشمه می‌گیرد و از تجربیات بومی خود به اجتماع نقب می‌زند. گاهی از ده‌کده‌ی جهانی دروغین و شعاری، ابزارشدگی انسان و تناقض بین صنعت و سنت و سیطره‌ی اشیا بر انسان می‌نالد و گاهی به، کشتار جمعی، نابودی محیط زیست اشاره می‌کند. توجه ویژه‌ای به کاربرد واژگان بومی در اشعار فارسی‌اش نشان می‌دهد که شیفتگی او را به زبان و فرهنگ اقلیمش نشان می‌دهد. تجربیات زیستی شاعر شناسنامه‌ی خودآگاه و ناخودآگاه ذهن و روان و اعمال اوست. شعرهای جلیل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

قیصری از ظرفیت‌های زبانی و کلامی بالایی از منظر فرهنگی و اجتماعی بهره‌مند است. واژگان و تصاویر در راستای محتوی و اهداف شاعر است و حس نوستالژی – تراژیکی با لحن خطابی و عصیان‌گر که بیش‌تر معطوف به واقعیت‌های‌اجتماعی، با عبـارت‌های تحکـم‌آمیز در پیش‌برد حس‌های زیباشناسانه در تلاش است.

پی‌نوشت

۱ = **kaverd** : دهکده‌ای کوهستانی در البرز جنوب شرقی واقع دردودانگه‌ی ساری.

۲-**chemaz** : سرخس

۳- **Teitei:** شکوفه

۴- **Cooxa** : پارچه‌ی بافته‌شده از نخ پشم

۵- **Dassechoo** : چوب دست گرفته شده از درختی با چوب مستحکم

۶- **Gulsu** : فانوس که کشاورزان در جای حساس مزرعه برای راندن گراز می آویزند.

۷- **Rachya** : باریک‌راه کوهستانی که به خانه های روستایی منتهی می شود.

۸-**Kilme** :کومه

۹- **Gamedaran** : گوشه‌ای در موسیقی ایرانی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منابع

الف- منابع فارسی

۱. احمدی، مسعود (۱۳۹۴) **روش تحقیق**، چاپ سوم، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.

۲. اصغری، ایرج (۱۳۹۰) **سبوی سخن**، تهران: نشر رسانش.

۳. بذرافشان، رجب (۱۳۸۲) **شعر امروز ساری**، تهران: نشر پویند.

۴. بذرافشان، رجب و جواد اکبری (۱۳۹۶) **پولک‌های سفید**، نشر اردبیل.

۵. بذرافشان، رجب (۱۳۹۷) **روش و متدولوژی روایت‌گری(شعر دهه هشتاد)**، تهران: نشر سولار.

۶. پارساپور، زهرا (۱۳۹۲) **درباره‌ی نقد بوم‌گرا**، ترجمه‌ی عبدالله نوروزی و حسین فتحعلی، چاپ اول، تهران: نشر پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۷. پارساپور، زهرا (۱۳۹۲) **نقد بوم‌گرا**، تهران: نشر پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

۸. پارساپور، زهرا (۱۳۹۵) «ادبیات سبز»، **مجموعه‌مقالات در نقد بوم‌گرایانه‌ی ادبیات فارسی**، تهران: نشر پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

۹. پورمحمدی، صبریه (۱۳۹۳) «**تأثیر عوامل محیطی در شعر شاعران معاصر(سهراب سپهری و نیما یوشیج)**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکدی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد کرمانشاه.

۱۰. جعفری قنواتی، محمدجواد (۱۳۸۲) «در قلمرو ادبیات اقلیمی»، **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**، اسفند و فروردین، ش ۶۵ و ۶۶: ۱۴۵-۱۴۰.

۱۱. جمالی، رقیه (۱۳۸۹) «**بررسی عناصر اقلیمی در داستان‌های نویسندگان شمال ایران**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکدی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد.

۱۲. حبیبی، ربابه (۱۳۸۴) «**ادبیات اقلیمی و تجلی آن در آثار محمود دولت‌آبادی**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکدی علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

۱۳. حسین پورچافی، علی (۱۳۸۴) **جریان‌های شعر معاصر فارسی**، تهران: نشر امیرکبیر.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۴. خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۷۰) **برهان قاطع**، به تصحیح و حاشیه‌ی محمد معین، تهران: نشر امیرکبیر.

۱۵. داد، سیما (۱۳۹۰) **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چاپ پنجم، تهران: نشر مروارید.

۱۶. داودی حموله، سریا (۱۳۹۳) **کلمات بیش از آدمی رنج می‌برند**، تهران: نشر قطره.

۱۷. داوودی مازندرانی، فاطمه (۱۳۸۵) «**اقلیم و مسایل اقلیمی در آثار دولت آبادی**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکدی ادبیات و علوم انسانی، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۸. دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۶) **به سوی داستان‌نویسی بومی**، چاپ اول، تهران: نشر سوره مهر.

۱۹. رحمانی، مریم (۱۳۹۰) «اوضاع اقلیمی بر تصاویر شعری شاعران تأثیری انکارناپذیر دارد»، **مجموعه‌مقالات ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران**، دانشگاه مازندران.

۲۰. **سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۶) نویسندگانِ پیش‌روِ ایران**، تهران: نشر نگاه.

۲۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸) **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**، تهران: نشر توس.

۲۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸) **صورخیال در شعر فارسی**، چاپ سیزدهم، تهران: نشر آگاه.

۲۳. شیری، قهرمان (۱۳۷۸) **مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران**، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.

۲۴. صادقی شهپر، رضا (۱۳۸۹) «**ادبیات اقلیمی در داستان‌های معاصر ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی**»، رساله‌ی دکتری، دانشکدی ادبیات و علوم، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

۲۵. عموزاده، مهدیرجی، محمد (۱۳۹۵) «مازندران و اشعار نیما»، **مجله‌ی دانش‌کده‌ی ادبیات علوم انسانی**، مشهد، دوره‌ی ۳۷: ۸۲-۶۷.

۲۶. فلاحی، کیومرث (۱۳۹۰) **رفتارشناسی ایرانیان**، تهران: نشر هنگامه.

۲۷. عمادی، اسدالله، عباسی، هوشنگ و علیرضا ابن قاسم (۱۳۹۶)**گزیده شعر امروز شمال**، تهران: نشر روزآمد.

۲۸. عمادی، اسدالله (۱۳۷۱) **شعر امروز مازندران(پژوهش و گزینش اشعار فارسی)**، نشر فرهنگ خانه مازندران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۲۹. عمادی، اسدالله (۱۳۷۶) مجموعه شعر **آواز ریشه‌ها**، تهران: نشر چاپار فرزانگان.

۳۰. عمادی، اسدالله(۱۳۸۶) مجموعه شعر **آخرین ایست‌گاه جهان**، تهران: نشر اشاره.

۳۱. عمادی، اسدالله (۱۳۹۲) مجموعه شعر **زیباست با تو خواندن**، ساری: نشر شلفین.

۳۲. عمادی، اسدالله (۱۳۹۲) مجموعه شعر **برای عاشق شدن همیشه دیر است**،ساری: نشر شلفین.

۳۳. عمادی، اسدالله(۱۳۹۵) مجموعه شعر **بازگشت به سرزمین مادری**، ساری: نشر هاوژین.

۳۴. فروتن، عبدالرّسول (۱۳۹۰) «بازتاب عناصر اقلیمیِ جنوب در اشعار محسن پزشکیان»، **ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان(ادبیات انقلاب اسلامی)**، دوره‌ی اول، پاییز، ش ۲: ۶۷-۴۶.

۳۵. قیصری، جلیل (۱۳۷۳) **مجموعه شعر از کنگه لو تا کومه‌های دور**، چاپ بهرام.

۳۶. قیصری، جلیل(۱۳۸۰) **مجموعه شعر من و جهان در یک پیراهن**، تهران: نشر نیم نگاه.

۳۷. قیصری، جلیل (۱۳۹۳) **مجموعه** شعر **کوکویی بر شاخه‌ی ناپیدا**، تهران: نشر سولار.

۳۸. قیصری، جلیل (۱۳۹۳) **مجموعه شعر هنوز کو تا سپیدخوانی این برف**، تهران: نشر ابتکار نو.

۳۹. کاظمی، رحمان (۱۳۹۵) **صبغه‌ی اقلیمی در شعر معاصر گیلان**، رشت: نشربازرگان.

۴۰. کریمی لاریمی، رضا (۱۳۸۸) **جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندرانی**، مازندران، ساری: نشر توسعه‌ی علوم.

۴۱. کسمایی، الهه(۱۳۷۷)«دریا در شعر شاعران جنوب»، **گلچرخ**،ش ۱۹، اردیبهشت: ۴۲-۳۹.

۴۲. کوش، دنی (۱۳۸۱) **مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی فریدون وحیدا، تهران: نشر سروش.

۴۳. کیخای مقدم، پرویز(۱۳۹۲) «**بررسی عناصر اقلیمی در اشعار عباس باقری**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل.

۴۴. مهجوریان، علی اکبر(۱۳۸۸) **مجموعه شعر از دیار خانه‌های ایرانی**، ساری: نشر شلفین.

۴۵. مهجوریان، علی اکبر (۱۳۹۲) **مجموعه شعر این حوالی بارانی**، آمل: نشر شمال پایدار.

۴۶. مهجوریان، علی اکبر (۱۳۹۶) **مجموعه شعر با یاس‌های بعد از ما**، تهران: نشر بوتیمار.

۴۷. میر عابدینی، حسن (۱۳۶۹) **صد سال داستان‌نویسی‌ایران**، چاپ اول، نشر چشمه.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۴۸. مهجوریان، علی اکبر(۱۳۸۶) **فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز**، تهران: نشر چشمه.

۴۹. نظری، زینت (۱۳۸۱) **ماخ اولا**، تهران: نشر چاپار.

۵۰. نظری، غلامشاه (۱۳۹۰) «**بررسی عناصر اقلیمی در شعر شاعران محلی‌سرای جنوب کرمان**»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکدی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

۵۱. نوری، علی و علی قره‌خانی (۱۳۹۰) «تشبیهات اقلیمی در داستان‌های شمال و جنوب ایران»، **پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)**، ش ۲۰، زمستان: ۱۹۶-۱۷۵.

۵۲. ولک، رنه (۱۳۷۷) **تاریخ نقد جدید**، ترجمه‌ی سعید ارباب شیرانی، چاپ اول، نشر نیلوفر.

ب- منابع غیر فارسی

53. Abrams M.H &G .G. Harpharm(2009) A Glossary of Literary Terms

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]